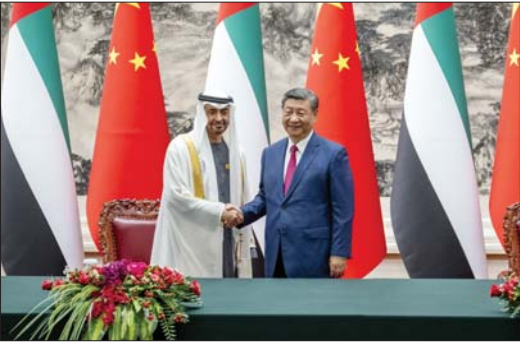


گزارش

«شرق» از همراهی مجدد چینی‌ها با ادعای امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه ایرانی گزارش می‌دهد

شریک دزد و رفیق قافله



مالک مصدق؛ به دنبال سفر محمد بن‌زاید آل‌نهیسان به یکن، یکشنبه هفته جاری دولت‌های چین و امارات در بیانیه مشترک جدید به موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی اشاره کردند و ذیل آن، خواستار حل تعیین تکلیف جزایر میان تهران و ابوظبی شدند. هرچند در این بیانیه هیچ اشاره‌ای به مالکیت امارات بر جزایر مذکور یا حمایت چین از مالکیت امارات بر جزایر نشده است، اما یکن از موضع ابوظبی درباره به‌رسمیت‌شناختن موضوع جزایر به‌عنوان یک مسئله و اختلاف میان ایران و امارات حمایت کرده است.

در بند ۲۶ بیانیه مشترک دولت‌های چین و امارات آمده است که «جمهوری خلق چین حمایت خود را از تلاش‌های دولت امارات متحده عربی برای دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز در مسئله جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک از طریق مذاکرات دوجانبه بر اساس قواعد قانون بین‌الملل و برپایه مشروعبیت بین‌المللی اعلام می‌کند». در بند ۲۷ بیانیه هم با وجود آنکه نامی از ایران برده نشده، ولی مخالفت دو دولت چین و امارات با تنش در آبراه‌های بین‌المللی اعلام شده است. چین پیش‌تر و در دسامبر ۲۰۲۲ نیز با صدور بیانیه‌ای مشترک با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و با نادیده‌گرفتن تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت ایران بر جزایر ایرانی، خواستار تلاش برای حل‌وفصل موضوع جزایر سه‌گانه شده بود.

نکته جالب اینجاست که تنها ۱۷ روز قبل از بیانیه مشترک امارات و چین هم شاهد طرح ادعاهای واھی بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی بودیم. در بیانیه سی‌وسومین نشست سران کشورهای عربی که ۲۷ اردیبهشت در منامه پایتخت بحرین برگزار شد، مجدداً جزایر سه‌گانه ایرانی مورد اشاره قرار گرفت و نکته حائز اهمیت ناظر بر همراهی برخی متحدان یا دوستان منطقه‌ای ایران مانند سوریه و عراق و امنضای بغداد و دمشق پای این بیانیه به‌منظور حمایت از ابوظبی بود. قبل‌تر و در تیرماه ۱۴۰۲ نیز وزیران خارجه روسیه و شش کشور جنوب خلیج فارس (کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات و عمان) در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند «از تلاش‌های امارات برای حل مسئله جزایر سه‌گانه حمایت می‌کنند».

از احضار سفیر چین تا تکرار ادعای یکن

به دنبال این بیانیه و حمایت یکن از ابوظبی، سفیر چین در تهران صبح روز یکشنبه (سیزدهم خرداد) توسط محمدعلی بک، دستیار وزیر و مدیرکل خلیج فارس وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض دولت جمهوری اسلامی ایران درخصوص تکرار حمایت دولت چین از ادعاهای بی اساس مندرج در بند ۲۶ بیانیه پایانی نشست مشترک جمهوری خلق چین و امارات متحده عربی به وی ابلاغ و یادداشت اعتراض تسلیم او شد.

به نوشته ایسنا، در این دیدار مدیرکل خلیج فارس وزارت امور خارجه با یادآوری روابط ویژه و ممتاز ایران و چین، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها را به عنوان یکی از اصول شناخته‌شده و بنیادین در مناسبات بین‌المللی دانست و بر تعلق ابدی جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس به جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد و افزود دولت جمهوری اسلامی ایران هر ادعایی از هر طرفی در این خصوص را مردود و غیرقابل‌پذیرش می‌داند. دستیار وزیر امور خارجه کشورمان تصریح کرد: «انتظار این است با توجه به همکاری‌های راهبردی دو کشور ایران و چین، دولت چین مواضع خود را نسبت به این موضوع اصلاح کند». سفیر چین نیز اظهار کرد که مراتب اعتراض دولت جمهوری اسلامی ایران را در اسرع وقت به مقامات کشورش منعکس خواهد کرد. با وجود اعتراض رسمی تهران به یکن، روز بعد (دوشنبه) سخنگوی وزارت خارجه چین بار دیگر از ایران و امارات خواست تا «اختلافات» خود را از طریق گفت‌وگو و رایزنی حل کند و مواضع چین در این مورد را «موضعی ثابت» توصیف کرد. مائو نینگ در یک نشست خبری در پاسخ به سؤالی درباره اعتراض ایران به این موضع چین تأکید کرد: «محتوای مربوطه در بیانیه مشترک چین و امارات متحده عربی با موضع چین مطابقت دارد».

لازم به ذکر است که با وجود حمایت دمشق از ادعای واھی ابوظبی بر جزایر سه‌گانه ایرانی در نشست منامه، وزارت امور خارجه کشورمان سفیر سوریه در تهران را احضار نکرد؛ اتفاقی که مورد سؤال خبرنگاران در نشست خبری دوشنبه هفته پیش ناصر کنعانی قرار گرفت که سخنگوی دستگاه سیاست خارجی از پاسخ مشخص و انتقاد به دمشق سرباز زد و صرفاً به بیان این جمله اکتفا کرد که «تدوین بیانیه‌های اتحادیه عرب سازوکار خاص خود را دارد و ما خارج از هرگونه اظهارنظر درخصوص نحوه تنظیم و سازوکارهای این بیانیه‌ها و امضای آن توسط کشورها، هرگونه اعلام موضع در ارتباط با جزایر سه‌گانه ایرانی را از سوی هر مرجع، نهاد و کشوری که باشد مداخله در امور داخلی ایران می‌دانیم و این‌گونه اظهارنظرها را از سوی هر کشوری که باشد قویاً محکوم می‌کنیم».

این دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: «جزایر سه‌گانه ایرانی، جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر ایران است و خواهد بود و ایران اجازه مداخله و اظهارنظر به هیچ طرفی درمورد این جزایر را نمی‌دهد و هرگونه اظهارنظر مداخله‌جویانه‌ای از محکوم می‌کنیم». هرچند برخی ناظران باور دارند تکرار این‌دست ادعاها توسط امارات با هدف تبدیل جزایر سه‌گانه به تایوان ایران در دستور کار قرار گرفته است، اما کسانی چون حشمت‌الله فلاحت‌پیشه باور دیگری دارند. کمالینکه او پیش‌تر در گفت‌وگویی با «شرق» تأکید کرده بود ابوظبی سعی دارد از ظرفیت دو کشور عضو شورای امنیت و دارای حق وتو یعنی چین و روسیه بر سر ادعای مالکیت در قبال جزایر سه‌گانه و به‌خصوص جزیره ابوموسی در قالب رأی مشورتی این شورا (امنیت) با تمسک به «بند اول ماده ۹۶» و «بند دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد» استفاده کند.



عکس: احسان طلمی/شرق

ثبت‌نام نامزدهای ریاست جمهوری به میدان دیدار دوباره مردودین و مطرودین اصولگرایان تبدیل شد

بی‌تابی اصولگرایان برای پاستور

کارناوال ۵۰ نفری نمایندگان ادوار اصولگرا و حضور نمایندگان فعلی، در نوع خود به طنز ماجرای ثبت‌نام‌ها تبدیل شد

وحیده کریمی؛ رسیدن به پاستور نه خواب بلکه حتی اعتبار را از برخی اصولگرایان گرفته است. در دو روز پایانی ثبت‌نام نامزدهای ریاست‌جمهوری، نه با حضور کم‌یا هجوم نمایندگان ادوار و فعلی مجلس مواجه بودیم. افرادی که جز نمایندگی سابقه‌ای نداشتند و احياناً فقط برای دیده‌شدن راهی وزارت کشور شدند. افرادی که سید رأی چشمگیری ندارند؛ چه آنهایی که از رسیدن بهارستان وامانده بودند و به خیال خود این‌گونه بار دیگر به حیات سیاسی بازمی‌گشتند و چه رئیس مجلس که نتوانست بر سودای پاستور فائق آید و در ساعات پایانی روز آواز به بهانه دعوت چهار خانواده شهید، خود را به وزارت کشور رساند تا با لبخندی در برابر این پرسش که آیا از ریاست مجلس استعفا خواهد داد، به خبرنگاران بگوید «نیاز به استعفا نداره». او درست گفته است، نیازی به استعفا نیست؛ اگر تأیید صلاحیت شود مرخصی خواهد گرفت و اگر پیروز شود می‌تواند ریاست دو قوه را حتی برای چند روز بر عهده بگیرد و این‌گونه عطش رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری را رفع کند. اما او به جای پیروی از آرزوی دیرینه‌اش باید به انتخابات پیشین نگاهی بیندازد. به باور کارشناسان سیاسی، عملکرد او در مجلس چنان بود که در انتخابات مجلس دوازدهم فقط یک‌سوم آرای دور قبل خود را کسب کرد و حتی رأی اول تهران هم نشد؛ بنابراین حتی اگر مشارکت هم افزایش یابد، باز هم سید رأی او تغییر محسوسی نخواهد کرد، زیرا عملکرد او و حاشیه‌های خانوادگی‌اش به چالش‌هایی جدی برای او تبدیل شده‌اند. وقتی رأی‌دهندگان سنتی اصولگرایان او را برای مجلس مناسب ندیدند، برای ریاست‌جمهوری چگونه برخواهند گزید؟

البته او هم مانند چند نفر دیگر از هم‌طیفی‌های خود ازجمله جلیلی و احمدی‌نژاد، با استقبال تعداد اندکی از افرادی که به وزارت کشور کسبل شده بودند، وارد ستاد



انتخابات شد و تا جایی پیش رفت که وقتی میکروفن بعد از پنج دقیقه زمان مقرر قطع شد، او همچنان به سخنرانی ادامه داد مانند احمدی‌نژاد و بذریاش. آریا حضور او می‌تواند برای بهارستان‌نشینان این پیام را داشته باشد که «روی قول و تعهد اخلاقی‌اش نباید حسابی باز کرد» زیرا قالیباف که شانس کمی برای ریاست مجلس دوازدهم داشت، طبق گفته نوری‌قرنجه برای کسب آرای فراکسیون مستقلین قول اخلاقی داده بود در صورت موفقیت در مجلس و تکیه بر صندلی ریاست، نامزد ریاست‌جمهوری نشود اما ظاهراً سودای پاستور می‌تواند خیلی از معادله‌ها را به هم بزند. البته او جزء رکوردداران نامزدی ریاست‌جمهوری است و شاید به همین دلیل خود را محق می‌داند یک بار بر صندلی پاستور جلوس کند. اما رأی‌دهندگان برای تحقق آرزوهای نامزدها رأی نمی‌دهند، به‌خصوص به چهره‌های پرتکرار و ناموفق پیشین. در همین رابطه غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده پیشین مجلس، در واکنش به ثبت‌نام محمدباقر قالیباف در انتخابات ریاست‌جمهوری نوشت: «در انتخابات هیئت‌رئیس‌ه به دوستان مستقلین گفتم:

رای‌دادن به قالیباف خیانت به نظام و شهادت. گفتند: قول داده‌اندیدای ریاست‌جمهوری نشود. گفتم: قالیباف باید نیست. بعد از ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری گفتند: اشتباه کردیم». مشاوران قالیباف برای چندمین بار به اشتباه او را راهی مسیری کردند که هم می‌تواند برای اعتبار ریاست مجلس یک مسئله باشد و هم اگر آنچه خبرتلاین مدعی شده درست باشد، ائتلافی که قالیباف دل به آن خوش کرده، خود خاستگاهی میان مردم ندارد که بخواهد سرآی او را پر کند. در آن گزارش آمده «بر اساس شنیده‌ها در جلسه‌ای کم‌سابقه که میان محمد مخبر، محسن رضایی و محمدباقر قالیباف برگزار شد، این سه چهره ارشد جریان اصولگرا

کابینه سیزدهم در سودای پاستور چهاردهم

تکه‌تکه‌شدن سبد رأی رئیسی در دولت



سال‌های بعد از احمدی‌نژاد به راه انداخته بودند، معتقد به تداوم راه رجایی بودند و حالا بعد از رئیسی ادامه‌دهنده این راه را مهدی اسماعیلی می‌دانند. برادران نیلی و هسته جوان نزدیک به خانواده و خود رئیسی توانستند با دیگر اعضای کابینه بر سر ادامه‌دهنده راه رئیسی توافق کنند. لذا از کابینه دولت، مهرداد بذریاش ثبت‌نام کرد اما نه به عنوان کسی که حمایت خانواده رئیسی را به همراه داشته باشد. بذریاش چشم امید به جریانی دارد که در انتخابات مجلس با عنوان پاجوش‌ها به راه انداختند و توانستند قالیباف را در تهران نفر چهارم کنند. او تصور می‌کند همان هسته تشکیل‌شده می‌تواند به او در این انتخابات کمک کند. علاوه بر بذریاش که به هسته‌ای بیرونی برای تداوم حضور در انتخابات چشم دوخته، دو رئیس ستاد انتخاباتی برابهم رئیسی در سال‌های ۹۶ و ۱۴۰۰ هم خودشان را کاندیدا کردند. در سال ۹۶ صولت مرتضوی ریاست ستاد انتخابات رئیسی را بر عهده داشت و حالا با اتکا بر شبکه‌ای از یاران گذشته و مدیرانی میانی از دولت و آستان قدس، عزم پاستور کرده است. علی نیکزاد نیز که به‌تازگی با بازگشت به جایگاه نایب‌رئیس مجلس اعتمادبهنفس خودش را بازیافته، عزم ریاست جمهوری کرد و در انتخابات ثبت‌نام کرد تا اتکا به شبکه‌ای که در سال ۱۴۰۰ برای ابراهیم رئیسی ساخته بود، به قدرت برسد. علاوه بر جریان مقداдіسم با کاندیداتوری مهدی اسماعیلی و

داوود حشمتی؛ با حادثه ناگهانی سقوط بالگرد ابراهیم رئیسی، اهالی نشست‌ه در پاستور که خود را آماده کرده بودند تا سال‌های طولانی در قدرت بمانند، ناگهان با شوکی بزرگ روبه‌رو شدند. تمام سرمایه‌گذاری آنها از سال ۹۵ بر روی ابراهیم رئیسی ناگهان به اتمام رسیده و باید به‌زودی صندلی‌های وزارت و ریاست را ترک کنند. برای آنها ظاهراً تنها یک هفته زمان لازم بود تا از شوک سوگواری رئیس‌جمهور خارج شوند و با چهره‌ای خندان در مقابل دوربین‌های خبرنگاران در وزارت کشور حاضر شده و خودشان را در قامت جانشین ابراهیم رئیسی ببینند. با اتمام وقت ثبت‌نام‌ها از کابینه دولت سه وزیر و دو معاون رئیس‌جمهور در انتخابات ثبت‌نام کردند. ثبت‌نامهایی که هرکدام نشان از جریانی خاص داشت. به عبارت روشن‌تر در میان ثبت‌نام‌کنندگان مرتبط با دولت شاهد سه شاخه مختلف بودیم. چراغ اول را مهدی اسماعیلی روشن کرد؛ کسی که فاصله میان تصویر گریان و خنده‌های طولانی او در تداوم راه رئیسی فقط یک هفته بود. وزیر ارشادی که به هسته سخت نزدیک به ابراهیم رئیسی نیز نزدیک بود. اسماعیلی را در هنگام ثبت‌نام میثم نیلی و محسن منصوری همراهی کردند. پیش‌تر و همان زمان که او میثم نیلی را به عنوان دستیار ارشد خود انتخاب کرد، نیلی برادر مقدا، داماد ابراهیم رئیسی بود که سال‌ها خیرگسزاری رجانپور را اداره می‌کرد. آنها که رجانپور را در

گزارش

اصلاح‌طلبان در مرحله مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری به پیشواز کابینه چهاردهم رفتند

۴ گزینه روی میز ۱۴

از دیروز بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم آغاز شد و شاید بیش از همه این اصلاح‌طلبان باشند که نمی‌دانند چه بر سر نامزدهایشان خواهد آمد. نامزدهایی که سهم حداقلی را از سونامی ثبت‌نام‌ها داشتند و در حقیقت نام چهار نفر به عنوان نامزد اصلی اصلاح‌طلبان یا توان عبور از فیلتر شورای نگهبان وجود دارد. در جبهه اصلاحات اتفاقات عجیب، کم روی نداد. از یک سو برخلاف انتظار از چندین چهره که در گمانه‌زنی‌های سیاسی و رسانه‌ای بسیار از آنها نام برده شد، خبری نبود؛ محمدرضا عارف، محسن هاشمی، محمد صدر و… در نهایت شایعات را به واقعیت بدل نکردند و عطای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری را به لقایش بخشیدند.

در سوی دیگر برخی چهره‌ها هم که نامی از آنها برده نمی‌شد، در خیابان فاطمی حاضر شدند و شناسنامه به دست، ثبت‌نام کردند. از مصطفی کوکبیان که چراغ اول اصلاح‌طلبان را روشن کرد تا ناصر همتی، علی صوفی، محمدعلی وکیلی، محمود صادقی و سیده‌حمیده زرآبادی که تقریباً کارشناسان معتقدند تأیید صلاحیت آنها چندان قابل پیش‌بینی نیست تا جایی که به ادعان بسیاری حضور این افراد در وزارت کشور و سخنرانی پنج‌دقیقه‌ای پشت تریبون را صرفاً فرصتی برای بیان مواضع خود دیدند. در این بین سایر کاندیداهای جبهه اصلاحات که تصمیم به ثبت‌نام گرفتند، ازجمله کسانی بودند که انتظار برای حضورشان وجود داشت. در این میان چهره‌های شاخص شامل اسحاق جهانگیری، محمد شریعتمداری، عباس آخوندی و مسعود پزشکیان است. در یک ارزیابی کلی بدیهی است که وزن و جایگاه اسحاق جهانگیری با توجه به سابقه، عملکرد و عقبه وی به مراتب بیشتر از سایر گزینه‌های اصلاح‌طلبی است تا جایی‌که می‌تواند جدی‌ترین نامزد این‌جبهه (اصلاحات) به شمار آید. او که شاعر «برای ایران» آمده است، در پاسخ به این سؤال که دولت او دولت‌سوم روحانی خواهد بود؟ گفت: «من اسحاق جهانگیری هستم». او که نه‌تنها اخلاق‌مداری را در سال ۹۶ به نمایش گذاشت و در حالی که شاید اقبال عمومی به او بیش از روحانی بود به نفع رئیس دولت یازدهم کنار کشید، این بار برای ایران آمده است و می‌گوید «حال ایران خوب نیست». جهانگیری در اولین سخنانش خود بعد از ثبت‌نام گفت: «با امید به برداشتن قدم‌هایی در جهت اصلاح رویکردها و رویه‌های غلط و خلق ظرفیت‌های تازه وارد عرصه انتخابات شده». جهانگیری تأکید کرد: «ایران امروز می‌تواند این تنگناها و چالش‌ها و حتی بحران‌ها را پشت سر بگذارد و چشم‌انداز راهگشا و امیدبخشی را پیش‌روی خود ببیند، به شرط آنکه اولاً مدل حل مسائل بنیادین و ابرچالش‌ها باید بر اجماع‌سازی در میان همه ارکان نظام و تأمین مشارکت فعال آنان بر وجود مسئله و راه‌حل آنها و به‌کارگیری تیم مدیریتی کاران مبتنی باشد». جهانگیری تصریح کرد: «من آمده‌ام تا نظام مدیریتی کشور را به جای تکیه بر تبلیغات و صنعت دستاوردسازی به ضرورت مهم دردها و دغدغه‌های واقعی مردم، از قبیل کوچک‌شدن سفره و رنج‌بیماری و سی‌کاری و بی‌آیندگی و مداخله‌گری در زندگی آنها، به تلاش برای کاهش و حل آنها سوق بدهم». هرچند برخی معتقدند سابه در صلاحیت او مانند انتخابات ۱۴۰۰ کامکان سنگینی می‌کند، اما او همچنان مهم‌ترین گزینه اصلاح‌طلبان است که تجربه، توان، دانش و محبوبیت لازم را برای انسجام در جبهه اصلاحات دارد. البته گزینه‌های آخوندی، شریعتمداری و پزشکیان هم در صورت تأیید صلاحیت می‌توانند بازیگران مهم انتخابات پیش‌رو باشند. عباس آخوندی که با بیان ساختن یک میلیون مسکن در زمان وزارتش وارد وزارت کشور شد، دغدغه خود را این‌گونه بیان کرد: «من نگران ایرانم، نگران فقر،منازعه بین‌المللی و فروپاشی اجتماعی و فرهنگی ملتی که هسته مرکزی یک تمدن چندین هزارساله است. ملتی که باید عنصر اصلی پیوند ملت‌های منطقه و مایه ثبات و توسعه خود و پیرامون باشد، دچار کشمکش‌های بی‌پایان و بی‌انتتهایی شده‌است».

<div><div></div><div><div>۴۳</div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>ادامه در</div></div></div> <div><div></div><div><div>صفحه ۳</div></div></div> </div>